

نگاهی به دستاورد و نتایج عملیات کربلای ۵ در گفت‌وگوی «جوان» با ابوالقاسم حبیبی از رزمندگان و پژوهشگران دفاع مقدس

قطعه‌نامه ۵۹۸ نتیجه پیروزی در کربلای ۵ بود

■ **احمد محمد تبریزی**

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند سر نوشت جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۵ و پس از عملیات بزرگ کربلای ۵ مشخص شد. جایی که ایران با بسیج نیروهایش توان نظامی و رزمی‌اش را به رخ دشمنان کشید و آنها فهمیدند ایران در این جنگ فرسایشی به راحتی تسلیم نخواهد نشد. ابوالقاسم حبیبی از رزمندگان دوران دفاع مقدس است که پس از پایان جنگ هم به مدد همکاری با مرکز اسناد دفاع مقدس، تحقیقات و پژوهش‌های زیادی روی عملیات مختلف داشته است. حبیبی حدود ۲۱ ماه درباره بخش نظامی کربلای ۵ پژوهش کرده و در گفت‌وگو با «جوان» از دستاورد‌های این عملیات و نتایجی که در جبهه‌ها گذاشت، می‌گوید.

دی‌ماه سال ۱۳۶۵ به واسطه دو عملیات بزرگ کربلای ۴ و ۵ مقطع مهمی در تاریخ جنگ است. آن زمان جبهه‌های ما چه شرایطی را طی کرد تا فرماندهان در فاصله‌ای کوتاه از کربلای ۴ به کربلای ۵ برسند؟

کربلای ۴ آخرین ساعات روز سوم دی ۶۵ شروع و چند ساعت بعد به دستور فرمانده وقت سپاه متوقف می‌شود. وقتی نیروها به سمت معبرهای مختلف در ساحل غربی ا‌روندرو می‌روند تیربارهای عراقی به سمت‌شان شلیک می‌کنند و فرماندهان می‌فهمند عملیات ل‌و رفته و باید متوقف می‌شود. بعد از ظهر چهارم دی جلسه‌ای میان فرماندهان سپاه و آقای هاشمی به عنوان فرمانده جنگ در پایگاه امیدیه برگزار می‌شود. آنجا پیشنهاد می‌شود برای انجام عملیات در نقطه دیگری آماده هستنیم که منطقه شلمچه به یکی از گزینه‌ها بود و آقای هاشمی هم از این موضوع استقبال می‌کند. فردای آن روز فرمانده وقت سپاه دوباره جلسه‌ای با آقای هاشمی برگزار می‌کند. آن زمان بیشتر فرماندهان سپاه با پایان بهمن عملیات زندهگانم در منطقه شلمچه مخالف بودند. تنها کسی که آن زمان بر انجام عملیات در این منطقه مصر بود آقای محسن رضایی بود. آقای هاشمی هم پیرو نظر آقای رضایی استدلال می‌کرد که همه چیز الان پای کار است و بهترین جا همین منطقه است. تا یازدهم دی این جلسات طول می‌کشد و آقای هاشمی آنجا می‌گوید پنج روز فرصت را انجام دهید. در این فاصله آقای هاشمی به تهران می‌رود و هفدهم دی دوباره به منطقه بر می‌گردد. آقای رضایی به ایشان می‌گوید چنگ یگان‌ها آماده نیستند.انجام عملیات را یک روز به تأخیر بیندازیم. آقای هاشمی وقتی آخرین جلسات هماهنگی را با فرماندهان تشکیل می‌دهد به یک‌باره با موجی از انتقاد و تردید فرماندهان نسبت به انجام عملیات مواجه می‌شود. همین باعث می‌شود از بعد از ظهر روز هفدهم تا باامداد هجدهم به نتیجه‌ای قطعی درباره انجام عملیات نرسند. در آخر آقای رضایی و هاشمی به همراه آقای حسن روحانی جلسه‌ای خصوصی می‌گذارند و تصمیم می‌گیرند همان شب عملیات را انجام دهند.

گو‌د‌ر همان ساعات‌های اول شروع کربلای ۵، پیش‌روی‌های خوبی صورت می‌گیرد؟

حدود ساعت ۲ صبح نوزدهم دی ۱۳۶۵ قرار بود عملیات شروع شود ولی حدود ساعت یک باامداد درگیری در سمت شلمچه و بوارین شروع می‌شود و قبل از ساعت ۲ فرمان شروع عملیات صادر می‌شود. با شروع عملیات نیروهای ایرانی

خط اول و دوم دشمن را می‌گیرند و پشت خط سوم که سمت نهر جاسم بود می‌روند. عراق وقتی می‌بیند تحت فشار است پشت خط سوم قرار می‌گیرد. سوم بهمن به منظور تجدید قوا و ادامه عملیات به سمت کانال زوجی عملیات متوقف می‌شود. عراق وقتی توقف عملیات را می‌بیند و از سمت ما حرکتی نمی‌بیند پانک‌هایش را شروع می‌کند. هدفش این بود که نگذارد از سمت نهر جاسم به سمت کانال زوجی ادامه دهیم و نیروهای ما را از پشت کانال بیرون بیندازد. روز یازدهم سرپل غرب کانال ماهی را می‌گیرد و به ضلع شرقی کانال ماهی هدایت می‌شود. همان روز آقای هاشمی از تهران به ق‌ر‌ر‌ا‌گ‌ه می‌رود و می‌گوید گفتم اگر در جاده کوتاهی کنید عراق تمام دستاوردهایان را می‌گیرد و باید عملیات را ادامه دهید. جلسات شروع می‌شود. از یازدهم بهمن به صورت‌های مختلف برای ادامه تشکیل می‌شود و به تعویق می‌افتد و تا پایان بهمن عملیات انجام نمی‌شود. عملیات مورد نظر به سمت کانال زوجی در اول اسفند شروع می‌شود و بخشی را موفق می‌شوند می‌گیرند ولی عملاً به دستاورد مورد نظر نمی‌رسند.

آیا در آن مقطع زمانی انجام عملیاتی بزرگ مثل کربلای ۵ آن هم بعد از عدم‌الفتح کربلای ۴ درست بود؟

در این باره دو نظر وجود دارد. عده‌ای انجام عملیات در منطقه‌ای محدود با انواع و اقسام استحکامات را اشتباه می‌دانستند. یک نگاه دیگر هم می‌گوید قبل از کربلای ۴ عراق تهدید کرده بود با انواع تجهیزاتاتی مثل میگ ۲۹ که به دست آورده مراکز غیر نظامی ما را می‌زند. شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق تهدید کرده بود اگر ایران تسلیم نشود ما به صورت گسترده تمام مراکز اقتصادی و نظامی‌اش را مورد هدف قرار می‌دهیم. آقای هاشمی یکی از دلایل این بود که دشمن به دنبال فشار آوردن به ایران است و شما هر قدر دشمن می‌شود و آنها شهرها و مراکز مهم ما را می‌زنند. وقتی عملیات کربلای ۵ در ۱۹ دی انجام شد، همان روز یعنی‌ها جنگ شهر‌ها را به صورت گسترده شروع کردند و تا ۳۰ بهمن این حملات هوایی عراق جریان داشت. ۶۲ شهر ما را زد و بیش از ۴ هزار نفر را شهید کرد.

با وجود این اتفاقات وضعیت جبهه‌ها قبل وبعد از کربلای ۵ به چه شکل شد؟

برخی می‌گویند با توجه به هزینه‌ای که پرداختیم دستاوردمان ناچیز بود. نگاه دیگری خلاف این نظر

صحبت می‌کند. شاهد این مدعا مطلبی است که در جریان عملیات کربلای ۵ یک نشریه امریکایی به چاپ می‌رساند و به دولت امریکا سفارش می‌کند که باید سعی کنید تلاش دیپلماتیک‌تان در سازمان ملل برای معرفی عراق به عنوان آغازگر جنگ را شروع کنید. این به معنای دستاورد بزرگ این عملیات است. دستاورد عملیات از بعد سیاسی این است که بعد از این عملیات، عراق به عنوان متجاوز اعلام می‌شود و قطعه‌نامه ۵۹۸ پیرو این عملیات طی یک تلاش دیپلماتیک در سازمان ملل به تصویب می‌رسد. اگر ما این عملیات را انجام نمی‌دادیم شاید قطعه‌نامه ۵۹۸ که حداقل خواسته‌هایمان را مطرح کرده هم به تصویب نمی‌رسید.

شکستن دژ دشمن و نفوذ نیروهای ایرانی به لحاظ نظامی و روانی هم یک ضربه محکم به عراقی‌ها بود.

بله، یکی دیگر از دستاوردهای بزرگ این عملیات شکستن دژ شلمچه‌است که دژ خیلی مستحکمی بود و نیروی پیاده نمی‌توانست به این خطوط مستحکم بزند. بسیاری از کارشناسان نظامی از



کربلای ۵ عملیات‌های تکمیلی دیگری مثل کربلای ۸ داشت. عملاً ادامه‌اش نشان داد جبهه جنوب جایی برای انجام عملیات ندارد. ما جبهه جنوب را بستیم و سال ۶۶ به سمت غرب رفتیم.

یعنی کربلای ۵ یا یان بخش هر گونه تحرک نظامی در جبهه جنوب بود



و عملیات مورد نظر ما هنوز انجام نشده است. عراق با توجه به اینکه می‌گفت ایران بلوف می‌زند بنا را گذاشته بود که کربلای ۴ همان عملیات بزرگ بوده و با خیال راحت نیروهایش را به مرخصی فرستاد و در جبهه‌هایش آرامش بود. دشمن باورش نمی‌شد در این فرصت کم بتوانیم عملیات دیگری انجام دهیم و کاملاً غافلگیر شد. یکی، دو ساعت قبل از عملیات فهمید که قرار است از سمت ایران عملیات انجام شود. معمولاً چند روز پیش از شروع عملیات، عراقی‌ها متوجه انجام عملیات توسط ما می‌شدند. تحرکات ما را هواپیماهایشان مخابره می‌کردند. خودم در فتح‌المبین و الی بیت‌المقدس دیدم. آن قدر سمت کارون ترده داشتیم که هر کس نگاه می‌کرد می‌فهمید قرار است اتفاقی بیفتد. عراق هم کاملاً فهمیده بود ولی نمی‌دانست در الی بیت‌المقدس می‌خواهیم از کارون عبور کنیم. زمانی فهمید که دیر شد.

آیا کربلای ۵ توانست روحیه را به جبهه و شهرهای ما بازگرداند؟

من خودم در منطقه پنج ضلعی بودم و در این منطقه آن قدر آتش دشمن و توپخانه و بمباران هواپیماهای دشمن سنگین بود که مردم می‌خواست آنجا بماند. سنگینی آتش دشمن روحیه‌ها را از بین می‌برد. در مسیر پیکر رزمندگان را می‌دیدیم و اینها روی جبهه‌ها تأثیر منفی می‌گذاشت. جلساتی با فرماندهان داشتیم و می‌گفتند دیگر نیرویی نداریم. واقعاً شرایط سختی در جبهه‌ها حکمفرما بود. پشت جبهه فشارهای بمباران و جنگ شهر‌ها خیلی تأثیر وحشتناکی در روحیه مردم داشت. جوری شده بود که عراق دیلاً جنگ شهر‌ها انجام می‌داد و شهر‌های ما را بمباران می‌کرد و مردم به شهر‌های کوچک هجوم می‌بردند اما این بار دریایی می‌کرد که مردم به کدام مناطق می‌روند و آنجا راه هم بمباران می‌کرد. شما حساب کنید نقطه‌ای نبود که عراق نخواهد بزند و نتواند. تنها چیزی که عامل بازدارنده بود چند موشکی بود که به سمت بغداد زدیم. با این حال عراق ۴۲ روز شهر‌های ما را بمباران کرد. این برای مردم روحیه نمی‌گذاشت. زمانی بود که مردم آب و برق و نان نداشتند و شرایط خیلی سخت بود.

کربلای ۵ اولین تجربه ما در جنگ بود که به این صورت سریع وارد عملیات می‌شدیم؟

عملیات کربلای ۴ به قدری تجربه‌اش تلخ بود که تاگزیر بودیم سریع دست به عملیات بزنیم تا جو منفی روانی در رزمندگان و مردم از بین برود. هفت، هشت ماه برای انجام این عملیات تدارک دیده شده بود و ما سال ۶۵ را سال سرنوشت جنگ اعلام کرده بودیم ولی نتیجه عملیات کربلای ۴ مطابق خواسته‌های ما نبود. از آن سمت عراقی‌ها جشن گرفته بودند و می‌گفتند عملیات سرنوشت‌ساز ایران را ناکام گذاشتیم. ما ناچار بودیم بگوییم که آن عملیات مورد نظر ما نبود و آن تنها جوابی به شرارت‌های دشمن بود

نگاه

شناساندن شهدای مدافع حرم راهی طولانی که در ابتدای آن هستیم

■ **علیرضا محمدی**
جمع رزمندگان افغانستانی لشکر فاطمیان بود و هم به عنوان فرمانده تیپ رسول اکرم(ص) لشکر زینبیین به شهادت رسید. در واقع کاری نبود که شهید جیلان در جبهه مقاومت اسلامی نکرده باشد. تلاش یا خدمتی والیته افتخاری کسب نکرده باشد. اما علیرضا آن قدر گمنام است که خود ما برای اولین بار بعد از گفت‌وگو با همسرایشان فهمیدیم او که بود و چه سستی در جبهه مقاومت اسلامی داشته است.

دهن خضلی از ما ایرانی‌ها شده باشند. اما در مورد جبهه دفاع از حرم آیا این اتفاق افتاده است؟ مثلاً اگر از جوان ایرانی بپرسیم از شخصیت‌های حاضر در جنگ سوریه یا واقع‌علیرضا جیلان چه نمونه بارز است. جبهه دفاع از حرم آن قدر از سرداران گمنام و کم‌نام و نشان پر شده است که ما رسانه‌ای‌ها اگر خوب دور و برمان را نگاه کنیم، می‌بینیم که در اول یک مسیر طولانی قرار گرفته‌ایم. مثلاً شهید مهدی موحندیا وقتی به جبهه سوریه می‌رفت، پدرش در کما بود و از دکنتر شنیده بود که بابا به این زودی‌ها به رحمت خدا می‌رود اما چون مصطفی صدرزاده، حامد کوچکزاده، علیرضا توسلی، مهدی صابری، رضا بخشی و... اشاره کنیم. یا نام مناطق



✠ شهید علیرضا جیلان بروخی از گمنام‌ترین فرماندهان مدافع حرم است



واقعاً کدام یک از ما حاضریم چنین فداکاری انجام بدهیم؟ یا حتی می‌توانیم فکرش را بکنیم به سفری برویم که در بازگشت دیگر روی پدر را نخواهیم دید. در ضمن رفتن به این سفر و انجام چنین فداکاری نه تنها در بخشی از جامعه فاداش ندارد، بلکه عده کثیری، می‌بینیم که در اول یک مسیر طولانی قرار گرفته‌ایم

مثل مهدی موحندیا و علیرضا جیلان بروخی و امثال آنها خوب فکر کنیم، می‌بینیم قدر این عزیزان را درک نکرده‌ایم و می‌توانیم به جرأت بگوییم هیچ کاری برای شناسایی شناسنت‌شان انجام نداد‌ه‌ایم. اول راهیم و مسیر طولانی است.

ما هنوز نمی‌دانیم خان طومان کجاست و عملیات نیل و الزهرا چه بود و علیرضا توسلی (مؤسس و اولین فرمانده تیپ فاطمیان) چه زحماتی برای امنیت ما ایرانی‌ها کشید.

شهادی جبهه مقاومت اسلامی به خوبی می‌دانستند در جامعه پر التهاب ایران قدر کارشان به این زودی‌ها درک نخواهد شد، خودشان راه گمنامی را بر گزیدند اما ما وظیفه داریم و باید سعی‌مان را بکنیم تا برای درک بهتر از زندگی و خودمان، این شهدا را بیشتر و بیشتر شناسانیم. ان‌شاء‌الله.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک‌در سه سطر فقط یک بار

به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

✠ پاسخ جدول شماره ۵۲۸۴

			۱			۲	۷
				۴			۸
			۸		۷		۹
					۲	۸	۵
			۵				۷
		۲	۶		۵		
				۱	۶		۷
					۹		۸
			۵				۳

۸	۵	۱	۷	۶	۸	۴	۷
۷	۸	۶	۵	۳	۱	۲	۴
۴	۷	۳	۱	۸	۶	۵	۲
۳	۶	۸	۷	۱	۲	۵	۴
۲	۵	۴	۳	۸	۷	۱	۶
۱	۴	۳	۲	۷	۵	۸	۶
۶	۳	۲	۷	۸	۱	۴	۵
۵	۲	۱	۴	۳	۷	۶	۸
۴	۱	۷	۶	۵	۳	۲	۸
۳	۸	۶	۵	۴	۲	۱	۷
۲	۷	۵	۴	۳	۱	۸	۶
۱	۶	۴	۳	۲	۷	۵	۸

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹

طراح:علیرضا سجادی
فر ۵۲۸۵ شماره

از راست به چپ

۱- شاعر فارسی‌سرای هندوستان و سراینده هشت بهشت -۲- مجلس اعیان - حریف جنگی - ضمیر انگلیسی
۳- قورباغه- به گله می‌زند- سیاهرگ - مقعر -۴- نام دبیر کل سابق سازمان ملل - حریف سیاه- واحد بازی تنیس- از ماه‌های میلادی
۵- افسون و جادو شده- تیرانداز- مشکوک و نامعلوم
۶- نادانی - قدم یکپا- کوشا
۷- ریشه - از حیوانات - ناآشنا- فرمان ماشین
۸- خاندان- اداره آگاهی سابق- یار غم
۹- سطح دست- از خشکیار- ملیت گوگل- سیلی
۱۰- بیماری سگ- دوستی- بی‌خبر از گرسنه
۱۱- شهری در عراق که روزی در دست داعش گرفتار بود- از هفت‌سین‌ها- شهری در ایتالیا
۱۲- پدر- هزار کیلو- دختر انگلیسی- جدا و غیر
۱۳- قدیمی- نان استوانه‌ای- دهل- بی‌حال
۱۴- موضوع و مبحث- مفلس و بیتوا- از هر دو طرف از سوره‌های قرآن است
۱۵- زاینده‌رود در آن می‌ریزد

از بالا به پایین

۱- طرفدار هرج و مرج- شخصیت سینمایی
۲- نارس- میان شکم- نامشخص
۳- از نام‌های پیامبر در قرآن - بافتن- کوبیدنی مطبخ
۴- لون- بااهمیت- نوعی ماسه- یک بر روی یک
۵- خرمای نرسیده- بخت آزمايي- همراه جفت
۶- عنوانی برای زرتشتیان پیش از اسلام- مسرت- علامت سوختگی
۷- راه شاعرانه- عقاب سیاه- بنده و شما- نماد پررویی است
۸- عنوان اختصاری بین‌المللی سازمان جهانی هواشناسی- حداقل دوست‌کم- بر شدن مشک از آب
۹- اولین قرارداد خرید نفت را با ایران امضا کرد- ضمیر اشاره- آلت برنجکوبی- نگهبان گله
۱۰- نام و نشان- از نام‌های خدا- استخوان ران
۱۱- از القاب فرنگی- اقتصاددان انگلیسی نویسنده کتاب اصل جمعیت- موجود خیالی برای ترساندن بچه‌ها
۱۲- از بت‌های جاهلی- پایتخت معنوی ایران- یک حرف و سه حرف- واحد برای کباب
۱۳- قطب منفی- واحد احشام- سرمربی فوتبال آلمان
۱۴- سبیل- رنگ نرم- در مثل آن را به چرک کف دست تشبیه می‌کنند
۱۵- از جاذبه‌های گردشگری اصفهان - کم‌خونی ارثی